

معنای معجزه: معجزه از دایره عجز به معنای ناتوانی است و اسم فاعل از باب افعال و به معنای ناتوان کننده و به عجز درآورنده است.

تعریف معجزه در اصطلاح: به عمل خارق العاده ای می گویند که پیامبران الهی برای اثبات ادعای نبوت خویش انجام میدهند و در قرآن آیات نامیده می شود.

- | | |
|--|-----------------------|
| <p>۱- مطابق قوانین عادی نیست و علی غیر مادی دارد</p> <p>۲- با امور خارق العاده ای که بر اثر ریاضت بدست می آید تفاوت دارد</p> <p>۳- معجزه همراه با تعجب است (مبارزه طلبی) و از این جهت با کرامت (یعنی کار خارق العاده ای که همراه با دعوی نبوت نیست) تفاوت دارد</p> | <p>ویژگیهای معجزه</p> |
|--|-----------------------|

عصمت انبیا: سوم ویژگی انبیای الهی عصمت است

معنای عصمت: در لغت: منع کردن و بازداشتن و نگهداری و مصونیت است

در اصطلاح: صفت نفسانی خاصی است که پیامبران از ادعای کتاب گناه و خطا و اشتباه باز می دارند

- | | |
|---|------------------------|
| <p>۱- در مقام دریافت حفظ و ابلاغ وحی</p> <p>۲- عصمت از معصیت و گناه</p> <p>۳- عصمت از خطا و اشتباه فردی و اجتماعی</p> | <p>علم و دعای عصمت</p> |
|---|------------------------|
- دلایل عصمت انبیا در مقام دریافت حفظ و ابلاغ وحی (دلایل عقلی)

- ۱- این نوع عصمت لازم و ضروری برای نبوت است بدون آن هدف نبوت تحقق نمی یابد.
- ۲- بدون آن وحی الهی به صورت صحیح و درست بدست مردم نمی رسد.

- ۳- اگر محتوای وحی دچار خطا و اشتباه شود اعتقاد مردم به چنین پیامبری رواند
- ۴- چون خداوند حکیم و عالم و قادر مطلق است می باید وحی بی هیچ خطایی نازل شود
پیامبر به دست مردم برسد تا به کمال واقعی خود برسند
- درین نقلی: قرآن در آیه ای یاد آور می شود که خداوند پیامبران را تحت مراقبت کامل قرار می دهد تا وحی الهی به درستی به انسان ها ابلاغ گردد
- عالم الغیب فلا یظلم علی غیبه احداً * الا من ارتقى من رسول
فانه یسلک من بین یدیه ومن خلفه رصداً * لیعلم ان قد ابلیخوا
- رسالت رجعم واحاط بما لدیهم واحصی کل شیء عدداً (حج ۲۸-۲۹)
- و نوع نگهبان برای صیانت از وحی در آیه ی فوق بیان شده
- ۱- فرشتگانی که پیامبر را از هر سو احاطه کرده اند
 - ۲- خداوند بزرگ که بر پیامبر و فرشتگان احاطه دارد
- عصمت این گناه و معصیت
- ۱- تعالیم به روشنی گفتاری و کرداری است در هر دو زمینه انبیا باید معصوم باشند
زیر تأثیر عمل اکتدار برتر است.
 - ۲- هدف رسالت رساندن مردم به کمال فضایل اخلاقی است تا عصمت در این
زمینه نیامد این هدف بدست نمی آید
 - ۳- معصوم نبودن پیامبران با جگت الهی در تناقض است
 - ۴- برای اینکه نقاط تاریک در زندگی انبیا نباشد از آغاز زندگی خود معصوم باشند
 - ۵- ظاهر نیز پیامبران باید ویژگی و خصلت های داشته باشند که مورد جذب مردم شود و نفوذ
آنان

و هر آن انبیاء را انسانهای مخلص که شیطان قدرت نفوذ در آنها ندارد معرفی می کند

و قال فی عز تک لا غوینهم اجمعین و الا عبادک منهم المخلصین
عهد امامت و نبوت با بندگان ظالم بسته نمی شود (ظالم به خود به دیگران و به خداوند)
لا خیال عهدی الطالعیین (بقره ۱۲۲)

انبیاء برگزیده و هدایت شده ای هستند که با علم خود آغوش انتخاب کرده اند
و خداوند نسبت به گناه کاران و سیکو کاران علم کامل دارد و گناه کاران را به تمام نبوت
انتخاب نمی کند و اجتنابناهم و حدیناهم ای صراط مستقیم

در امور فردی و اجتماعی، انبیاء در امور عادی خود نیز باید خطا و اشتباه و سهو و نیل
پا شوند تا اعتماد مردم عادی به آنان جلب شود

- | | |
|--|---------------|
| ۱- اگامی و شناخت خداوند و عشق الهی به رفقا و دشمنان او | من و مشا عصمت |
| ۲- به ناطر بودن خداوند به اعمال و کردار | |
| ۳- نسبت به نتایج کار نیک و معصیت | |
| ۴- ساینگی ذاتی | |
| ۵- مجاهدت های فردی و اجتماعی | |
| ۶- عنایات و توجهات خداوند | |

همه به عوامل و مشا عصمت منحصر می گردد که معصوم بود امری کاملاً اختیاری است
و هر آن در کلماتی به این نکته اشاره می کند

یا ایها الرسول بلغ ما انزل من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته
پیامبر آئی از جانب پروردگارت به تو نازل شده ابلاغ کند و اگر ابلاغ نکنی پیامش
نرسانده ای - عبارت اگر ابلاغ کنی دلالت بر اختیاری بودن عصمت انبیاء است
موفق باشید

فصل اول: امکان شناخت صفات خداوند.

یکی از مسائل در حوزه خداشناسی، شناخت صفات خداوند است. در مورد شناخت صفات خداوند این سؤال مطرح است که آیا انسان می تواند صفات خدا را بشناسد یا اینکه خدا شبیه و مانندی ندارد. مثلاً آیا علم و قدرت خداوند مانند علم و قدرت انسان است. این نظر دانشمندان و رسیدن به علم و قدرت بین خدا و انسان چه تفاوت های وجود دارد. ما توجه به این سوالات سه دیدگاه در مورد

- صفات خدا وجود دارد که عبارتند از:
- ۱- دیدگاه اهل تعطیل
 - ۲- دیدگاه اهل تشبیه
 - ۳- دیدگاه اثبات بدون تشبیه

این سه دیدگاه را توضیح می دهیم و مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

دیدگاه اهل تعطیل: این گروه بر آنست که باید به صفات خداوند که در قرآن و سنت پیامبر آمده ایمان داشت. و عقل انسان راهی برای شناخت صفات خدا ندارد زیرا: ۱- انسان تنها صفات موجوداتی را می تواند بشناسد که پیرامون او هستند اگر چنین صفاتی را به خدا نسبت دهد او را شبیه مخلوقات نموده است.

۲- انسان موجودی ناقص و محدود و ممکن الوجود است در صورتی که خداوند قائم بذات، غنی و هستی مطلق است و هیچ شباهتی بین آنها نیست.

نتیجه: از مقدمات فوق نتیجه گرفت می شود که عقل انسان توان شناخت صفات خدا را ندارد بلکه چون این گروه عقیده را در شناخت صفات خدا تعطیل و انکار می کند.

اشکالات این دیدگاه

ص ۲

- ۱- انسان به گونه ای نیست که اوصاف مانند علم و قدرت و حیات را نشاند
بلکه نسبت به آنها علم دارد و آنها را از یکدیگر تمیز می دهد
- ۲- هدف اهل تعطیل (معتزله) از بیان این دیدگاه اینست که خداوند شبیه به انسان
نشود. بنابراین اگر دیدگاه بیان گردد که در عین حال که صفات را بیان می کند آن را
شبیه به صفات انسان نماید این نظر و دیدگاه باطل خواهد شد. (دیدگاه سوم
عین حالیکه صفات خداوند را بیان می کند اولیة مخلوقات) ۱- روزیت و سبوت ها و حسن گرایان
(شبیه نگری است)
طرفداران این مسلک عبارتند از: ۲- لادری گری
- ۳- و کسانی که شناخت آدمی را محدود به حسی می کنند
- دیدگاه اهل تشبیه: طرفداران این دیدگاه می گویند بین صفات خدا و انسان
تفاوتی نیست و تشبیه به یکدیگر نزد به همین پس آنها را اهل تشبیه یا همبزه می نامند
نقد دیرسی اشکالات این دیدگاه عبارتند از:
- ۱- اگر خداوند مانند انسان باشد نیازمند و مرکب از اعضاء و در نتیجه مخلوق است
مخلوق بودن با خداوند خالق بی نیاز سازگار نیست
- ۲- آیات بسیاری دلالت بر آن دارند که خداوند مثل و مانند بشر نیست مانند
لیس کعنه شیء (چیزی مانند خدا نیست)
لا تدركه الابصار خداوند را چشم ها نمی بیند.
- ۳- آیاتی مانند (یدالله فوق ایدیهم) که در ظاهر به دست راستن خداوند دلالت
دهند را باید با آیات محکم معنا کرد. دست راستن در این آیه دلالت بر قدرت
خداوند دارد.

دیدگاه اثبات بلا تشبیه این گروه می گویند انسان می تواند اوصاف را
 بشناسد و آنهارا بر سر و تعین کند. بنابراین دیدگاه نه روش اصل تعین
 در امت است نه صلاک تشبیه

از میان سه دیدگاهی که در مورد اوصاف الهی بیان شد دیدگاه سوم در امت
 است و دلایل آن عبارت است از:

۱- در قرآن صفات خداوند بیان شده و از انسان خواسته شده در
 در آیهان الهی تدبیر کند این دعوت به تدبیر و تعقل برای شناخت اوصاف
 الهی است در غیر اینصورت دعوت به نقل صفات داشت

۲- هدف از آفرینش انسان عبادت پروردگار است. عبادت مستلزم
 شناخت معبود می باشد. عبادت بدون معرفت از روی ندارد.

نتیجه: هر چند عقل انسان نمی تواند به طور کامل خدا و اوصاف الهی را
 بشناسد، اما می تواند به اندازه ای توان انسان به صفات خدا می پیبرد و
 به طور کلی از شناخت آنها صیغ نهاده است.

امام علی علیه السلام میفرماید: خود را با برکتی صفت خود آگاه نکردی لیکن
 هرگز آنرا را به قدر لازم معرفت خود محجوب شناخت.

ای بر تو از خیال و قیاس و گمان و وهم
 در هر چه گفته اند شنیدیم و خوانده ایم
 مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر
 ما همچنان در اول وصف تو مانده ایم

سکولاریسم: تفکری که تأثیر دین را تنها در جنبه شخصی و خصوصی زندگی انسان محدود می‌کند و بدون دین به سالمانده‌ی زندگی دنیوی می‌پردازد. سکولاریسم ناهیده می‌شود. سکولاریسم یک ایدئولوژی است که مدافعان آن آگاهانه همه امور و مفاهیم مادی و طبیعی و وسایط و کارکردهای مربوط به آن را نفی می‌نمایند و از اصول غیردینی یا ضد دینی به عنوان مبنای اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی دفاع می‌کنند.

ابزارهای سکولاریسم عقل ابزاری و علوم تجربی است و آموزه‌های دینی را کاملاً ناپایدار می‌داند.

زمینه‌ها و عوامل پیدایش سکولاریسم به شرح زیر است:

۱- متون مقدس و منابع اولیه دینی مسیحیت، چون کتاب مقدس تحریف شده بود و تفسیرهای ناروا از آن ظهور پیدایش کرد. زمینه را برای سکولاریسم هموار ساخت.

برخی از زمینه‌ها عبارتند از: ① جدایی دین از سیاست در منابع مسیحیت

② نبود قوانین اجتماعی و حکومتی، منتهای که قوانین اجتماعی و حکومتی در

شرعی وجود نداشته باشد برای تدبیر زندگی به تأثیر باید از قوانین عقلی مدد گرفت.

③ تاسارگاری آموزه‌های کلامی و فلسفی مسیحیت با عقل و علوم تجربی

مانند گناه ذاتی انسان، مرگ فدی و اریسی مسیح علیه السلام، الوهیت و

تبعید مسیح، تثلیث و عسای ربانی که با عقل ناسازگار بودند و موجب بی‌ثبات

شدن روشنفکران، دانشمندان، و فیلسوفان نسبت به مسیحیت شده.

۲- رفتار و برخورد نادرست متولیان کلیسا، برخی ناسایمت متولیان کلیسا عدم
را از دین گزینان کند، قسا و اخلاق و معانی ما فروش آموزش نامد صاه و
و دارگاه های نفیض عقاید از جمله این رفتارهای پلید بود.

عامل دیگری که موجب دین گزینی گردید برخورد خش با دانشمندان بود دینی که
کلیسا پیرو می دارد به گونه ای بود که هیچ گاه با پیشرفت و طرح نظریات جدید علمی
سر سازگاری نداشت به همین دلیل مسلمانان از بین دین و علم ما دین را
کنار گذاشتند و گرایش به علم پیدا کردند

مبانی سکولاریسم ۱- علم گرایی ۲- عقل گرایی

علم گرایی به این معنای که علوم تجربی محور عام مسئول زندگی انسان است
و بوسیله آن می توان به تدبیر جامعه پرداخت با پیشرفت علوم تجربی این
اعتقاد شکل گرفت که با روش مناسب علوم تجربی هر حادثه و حرکتی را می توان
پیش بینی نمود و به علت آن پی برد و دیگر نیازی به وجود عالم ماورای طبیعت
نیست.

نقد و بررسی علم گرایی سکولاریسم

۱- توجه صرف به علم تجربی نوعی مادی گرایی است که فکر و ذهن به عالم ماده
محدود می کند

۲- انسان واقع گرا می تواند در کنار علوم تجربی و عقل ببری از تعالیم و حیاتی
نیز برای ساماندهی زندگی دنیوی و اخروی بهره مند شود

۳- حوزه فعالیت علم عالم مادی است بنابراین در مورد مادی طبیعت نقیضاً و اثباتاً اظهار نظر کند و تنها باینکه در مورد مسائل و عالم غیر مادی می تواند بدهد لا اله الا الله و بی الله.

۴- یافته های علمی همگی نیستند نبوده خضیه ای ثوبه جای خضیه پنبین می نشیند

۵- اعتقاد به آخرت و خدا در ساماندهی زندگی انسان نقش تعیین کننده ای دارند

و اگر نایده انکاسه شوند بخش این نیازهای اساسی بدون پاسخ خواهند ماند

۲- عقل گرایی روم این را سکولاریسم است که آن را تبیین و نقد و بررسی می کنیم

عقل گرایی در سکولاریسم یعنی این که رفتارها و عقاید باید مبتنی بر عقل باشند نه عقاید دینی

نقد و بررسی : ①- هر چند عقل در تعالیم دینی ارزشمند و جهت درونی است اما به تنهایی نمی توان سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند

②- عقل در برخی از امور فردی و اجتماعی دچار اختلاف و تناقضات می شود

و نمی تواند شیوه ای واحد برای ساماندهی جامعه بوجود آورد

③- همچنین عقل انسان به طور کلی خوبی ها و بدی ها را درک نمی کند ولی

در تخصیص مصادیق آن با مشکل روبه رو است

دیدگاه اسلام در باب سکولاریسم

۱- لو دین نمی توان انتقاد نایید سکولاریسم را دلت زیر انبیاء شیوه می زندگی دینی

را در اجتماع ترویج می کنند

۲- دین اسلام برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی دارای قوانین و مقررات است